

١٧٦ - راجع بدولت عثمانی

و نیز از حضرت بهاء الله راجع به مملکت و دولت عثمانی است قوله الابهی : " فسوف تبدل ارض السر و ما دونها و تخرج من يد الملك و يظهر الزلزال و يرتفع العويل و يظهر الفساد في الاقطار و تختلف الأمور بما ورد على هؤلاء الاسراء من جنود الظالمين و يتغير الحكم و يشتد الأمر على شأن ينوح الكتيب في الهضاب و تبكى الاشجار في الجبال و يجرى الدم من كل الاشياء و ترى الناس في اضطراب عظيم سوف يحرق الله اكبادهم من النار انه اشد المنتقمين "

و در كتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : " يا معشر الروم نسمع فيكم صوت اليوم تأخذكم سُكْرُ الهوى أم كنتم من الغافلين يا ايها النقطه الواقعة في شاطئ البحرين قد استقرّ عليك كُرسى الظلم و اشتعلت فيك نار البغضاء على شأن ناه بها الملاء الأعلى و الذين يطوفون حول كُرسى رفيع ترى فيك الجاهل يحكم على العاقل و الظلام يفتخر على النور و انك في غرور مبین أعزتك زينتك الظاهرة سوف تفتنى و رب البرية و ينوخ البنات و الأرامل و ما فيك من القبائل كذلك ينبئك العليم الخبير "

و در سورة الملوك است قوله الاعلى : " فسوف يظهر الله قوماً يذكرون ايماننا و كل ما ورد علينا و يطلبون حقنا عن الذين هم ظلمونا بغير جرم و لا ذنب مبین و من ورائهم كان الله قائماً عليهم و يشهد ما فعلوا و يأخذهم و انه اشد المنتقمين "

و در لوحى است قوله الاعلى : " اذا قيل لهم بائى جرم حبستم الذى به افتتر ثغر الايمان و ظهرت آية الرحمن قالوا قد تحقق انه اراد أن يبدل سنن الله و دينه و ليس له علينا من فضل بل نراه من المفسدين كذلك قال امم امثالكم قد اخذناهم بما قالوا و جعلناهم عبرة للمتبصرين سوف نأخذ هؤلاء كما اخذنا الذين كان اشد منهم قوة ان ربك لهو المقتدر على ما يشاء و الحاكم على ما يريد "

و در لوح خطاب بشيخ محمد باقر اصفهانی است قوله الاعلى : " فانظروا في ملك الروم انه ما اراد الحرب ولكن ارادها امثالكم فلما اشتعلت نارها و ارتفع لهيها ضعفت الدولة و الملة يشهد بذلك كل منصف بصير و

زادت ویلاتها الى أن اخذ الدخان ارض السّر و من حولها ليظهر ما انزله الله في لوح الرّئيس كذلك قضى الامر في الكتاب من لدى الله المهيمن القيوم "

و در لوح خطاب بصدر دولت عثمانی قوله الاعلی : " کفی از طین عند الله اعظم است از مملکت و سلطنت و عزّت و دولت شما ولو يشاء ليجعلکم هباءً منبّثاً و سوف يأخذکم بقهر من عنده و يظهر الفساد فيکم و يختلف ممالکم اذا تنوحون و تتضرعون و لن تجدوا لانفسکم من معین و لا نصیر این ذکر نه از برای آن است که متنّبّه شوید چه که غضب الهی آن نفوس را احاطه نموده ابداً متنّبّه نشده و نخواهید شد ... چند مرتبه بلاء بر شما نازل که ابداً التفات ننمودید یکی احتراق که اکثر مدینه بنار عدل سوخت چنانکه شعرا قصائد انشاء نمودند و نوشتند که چنین حریق تا بحال نشده معدّک بر غفلتتان افزود و همچنین وبا مسلط شد و متنّبّه نشدید و لکن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده زود است که آنچه از قلم امرنازل شده مشاهده نمائید "

و در اثری از خادم الله ۵ جمادی الاولى سنه ۱۲۹۳ خطاب بحاجی محمد اسمعیل ذبیح کاشانی : " از اخبار جدیده اینکه این ایام مفاد آیات منزله در لوح رئیس که حین خروج از ارض سرّ مخصوص آن حضرت از سماء مشیت ربانیّه نازل شده ظاهر قوله عزّ کبریائه : فسوف تبدّل ارض السّر و ما دونها و تخرج عن ید الملک و يظهر الزلزال و يرتفع العویل و يظهر الفساد في الاقطار و تختلف الامور بما ورد علی هؤلاء الاسراء من جنود الظالمین الى آخر قوله تعالی و همچنین ما نزل في الكتاب الاقدس قوله تعالی : يا ايّها النّقطة الواقعة في شاطئ البحرين قد استقرّ علیک کرسی الظلم و اشتعلت فيک نار البغضاء علی شأن ناح بها الملأ الأعلى و الذین يطوفون حول کرسی رفیع نری فيک الجاهل يحکم علی العاقل و الظلام يفتخر علی النور و انک في غرور مبین أعزّتک زینتک الظّاهره سوف تفضی و ربّ البریة و تنوح البنات و الارامل و ما فيک من القبائل كذلك ینبئک العلیم الخبیر انتهى از قراری که در اضطراب مدینه کبیره نوشته اند سه نفس از خوف هلاک شده اند بدون صدمه ظاهره دیگر ملاحظه فرمائید چه واقع شده فاعتبروا یا اولی الابصار "

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : " اما مسأله واقعه بین البحرین آن است که واقع شد سریر ظلم در هم شکست ولی هنوز استقرار نیافته است دعا کنید که انتظام و استقرار یابد "

و در اثری دیگر خطاب بزین المقریین : " از اخبار جدید ارض سرّ و ما حولها را تصرّف نمودند قد ظهر کلّ ما انزله الله فی الالواح البتّه سورة رئیس نظر مبارک هست باری در آن صحفات تحت هر شجرى خون ریخت و صبیحه و ضجیح عباد از ارامل و غیره از اتلال و جبال و مدن و قرى مرتفع شد انّ القلم لا یقتدر ان یقوم بوصف ما ورد فیها انّ سورة الرئیس اخیرنا بما حدث فیها بعد از ورود مسقف بأدرنه از ساحت اقدس مناجاتی نازل شد و امر فرمودند اصحاب بخوانند قال و قوله الحق : هذا مع علمى بأنّ الخلف شبه السلف هذه سورة ما نزل من القلم الاعلى هو المقتدر على ما یشاء باسمه المهیمن على الأسماء یا الهی الرّحمن و المقتدر على الامکان أسألک بنفسک بأن تحفظ السّلطان ثمّ أسألک بأن لا تنظر الیه و جریرات من سبقه فی الملك بل الی بحر جودک و سماء فضلك و شمس الطافک ای ربّ کفّ عنه اکفّ السّوء بالید الّتی جعلتها فوق ایادی خلقک انّک انت المقتدر المتعالی العلیم الحکیم انتهى از این کلمات مبارکات چنین مستفاد میشود که فرجی از برای سلطان میشود ولكن این بعد از خسران عظیم است که وارد شده و میشود "

و در سفر نامه امریکاست در جواب سؤال شخصی از وضع عثمانی قوله : " منتظر وقوعات خوش از آن شطر نباشید ... کتاب مبین در دست مبارک بوده و اندازات بعبد العزیز و خبر انقلاب امور و انتقال ادرنه را شرح میدادند و آن مواعید الهیّه را حتمی الوقوع میفرمودند "

و در سفر نامه اروپاست قوله العزیز : " جمال مبارک پنجاه سال پیش که ابداً این نقشه‌ها نبود حکم فرمود که باید از اروپا بیرون روند لابد است چنین شود "